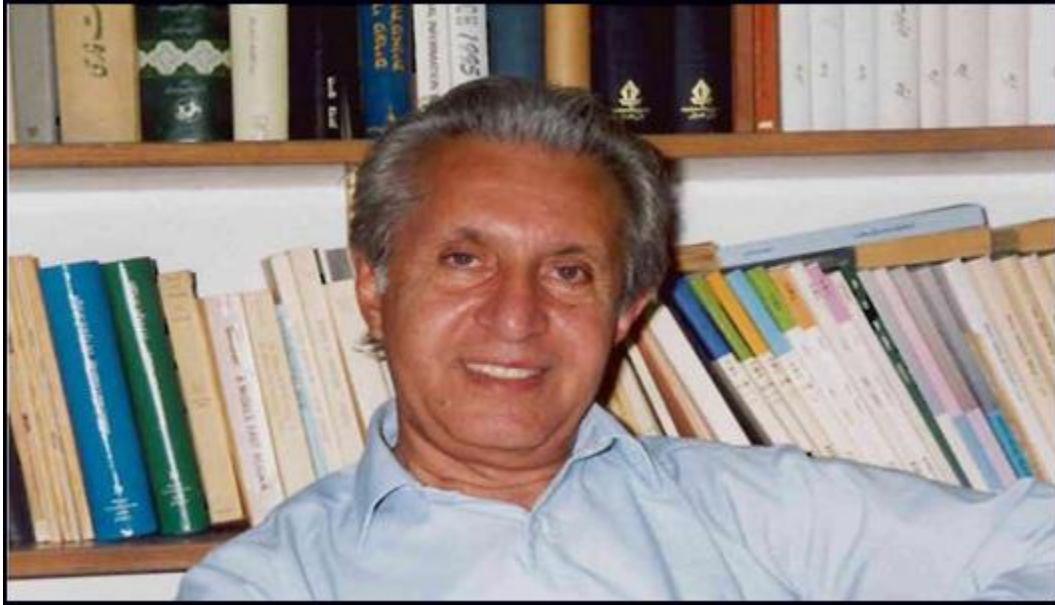


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب
به شرح اماکن مقدس یهودی
در خاک ایران می پردازد
که شمار آن ها در خارج از خاک
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی پانزدهم

آرامگاه باستانی یهودی "گیلیارد"، در دامنه کوه البرز قرار دارد



در ایام باستان یهودیان در کنار البرز ساکن شدند که "گیلیارد" نام گرفت (عکس از یوسف ستاره شناس)

پرسش - پروفیسور نتصر با سپاس دوباره از آمادگی شما برای سهیم ساختن ما و شنوندگان ما در دانسته ها و آگاهی های خویش، ما به پایان سفر به اماکن مقدس یهودی در ایران نزدیک می شویم. شما از اماکن مقدس یهودی در ایران سخن گفتید و به آرامگاه دو تن از صاحبان کرامت اشاره کردید که علاوه بر یهودیان، مسلمانان نیز برای آن ها احترام قائلند و از آن ها حاجت می طلبند. ولی بی تردید، یهودیان ایران دارای گورستان هائی نیز در این سرزمین هستند که برخی از آن ها ممکن است جنبه باستانی داشته باشد. زیرا برای آگاهی شنوندگان باید بگویم که در باور یهودیان محل دفن یک انسان هرگز نباید خراب شود و باید به صورت قبر باقی بماند، تا در روز رستاخیز او بتواند از خاک بلند شود و زندگی دوباره یابد. به یاد داشته باشیم که یهودیان حدود دوهزار و هفتصد سال در ایران زیسته اند. بی تردید در طول زمان و با گذشت ادوار و جنگ ها و مصیبت ها اکثر قریب به اتفاق این مقابر ویران شده، ولی امروز کدام یک از این آرامگاه ها هنوز به وضع خود باقی مانده و می توانیم آن را یک گورستان تاریخی بدانیم؟

پاسخ - بله ما در طول این گردش تاریخی خود از اماکن مقدس و آرامگاه های مقدسان یهود سخن گفتیم و این بار می خواهیم به مکانی بپردازیم که تقدس آن نه به خاطر شخصیتی است که در آن جا دفن شده، بلکه به خاطر خود مکان و ماهیت آن و منظورم گورستان گیلیارد است که در دامنه کوه دماوند و در فاصله هفتاد کیلومتری از شمال تهران قرار دارد.

تقدس گیلیارد در این باور سنتی یهودیان ایران ریشه دارد که نام اصلی و نخستین این نقطه "گیلعاد" و نه "گیلیارد" بوده است که یک واژه یهودی است. طبق این باور، گیلیارد مکان استقرار سه قبیله از قبائل دهگانه گم شده یهود بوده که در دوران امپراتوری آشور به اسارت برده شدند و از سرنوشت آن ها اطلاعات دقیقی در دست نیست.

قبائل سه گانه رُئوبن، گاد و منشه (ראובן, גד, מנשה Reuven, Gad, Menashe) نام داشتند. منشه فرزند یوسف صدیق از مقدسین یهود بود که نیمی از افراد قبیله او در گیلیارد ساکن شدند. دو قبیله منشه و افرائیم (برادر تنی منشه) در دوران پس از خروج یهودیان از مصر، از نظر تعداد، در بین قبائل دوازده گانه، بزرگترین محسوب می شدند و نیمی از قوم بنی اسرائیل را تشکیل می دادند.

هنگامی که حضرت موسی بنی اسرائیل را از بردگی مصر رها ساخت و آنان را به سوی سرزمین موعود رهنمون گشت، در یک مرحله از تلاش بازگشتگان برای تسخیر اراضی باستانی خود که طبق باور دینی خداوند آن را به ملت یهود وعده داده بود، در کرانه شرقی رود اردن مستقر شدند. در آن دوران حضرت موسی هنوز در قید حیات بود و خود او بود که نبرد یهودیان برای بازپس گرفتن این بخش از سرزمین باستانی را فرماندهی می کرد. در این بخش از سرزمین (یعنی در کرانه خاوری رود اردن) حضرت موسی دستور داد که قبائل رُئوبن و گاد و همچنین نیمی از قبیله منشه اسکان یابند.

حول و حوش همین زمان بود که حضرت موسی رحلت می کند و رسالت آزاد سازی بقیه خاکی که وطن باستانی یهودیان بوده و در دوران چندصد ساله اقامت یهودیان در مصر به اشغال اقوام دیگر درآمده بود، به عهده یوشوع بن نون واگذار می گردد. او که یک سردار جنگی ورزیده بود، هم در میان یهودیان و هم به باور مسلمانان یک فرد مقدس و در ردیف پیامبران محسوب می شود.

یک رویداد تاریخی را که در گذشته هم از آن سخن گفته ایم یادآوری کنم، زیرا به موضوع بحث ما مربوط می شود و آن این که در سال های ۷۲۲ تا ۷۲۰ پیش از میلاد، امپراتوری آشور چندین بار به بخشی از سرزمین اسرائیل حمله برد و یهودیان را به اسارت گرفت و به آشور منتقل ساخت.

یادآوری این نکته هم ضروری است که با درگذشت حضرت سلیمان، مملکت پادشاهی او به دو ولایت تجزیه شد که یکی در شمال قرار داشت و "ولایت اسرائیل" نامیده می

شد و دیگری به پایتختی اورشلیم "ولایت یهودا" نام گرفته بود. شمار زیادی از اهالی ولایت شمالی اسرائیل به دست سربازان آشور به اسارت برده شدند که در آن هنگام سرزمین ماد نیز بخشی از امپراتوری آشور محسوب می گردید که بعدها کورش کبیر ماد را با سرزمین پارس متحد ساخت و ایران را به وجود آورد.

ده ها هزار نفر از افراد سه قبیله ای که پیشتر از آن ها نام بردیم و در محدوده جغرافیائی "ولایت اسرائیل" زیست می کردند، توسط امپراطور آشور به اسارت برده شدند و بخشی از آنان در سرزمین مادها اسکان یافتند. این رویدادی است که در صحیفه دوم پادشاهان در کتاب مقدس یهود به آن اشاره شده است.

باور بر این است که اسیران سه قبیله نامبرده یهودی که به سرزمین مادها انتقال یافته اند، در نقطه ای که امروز حدود هفتاد کیلومتری شمال تهران قرار دارد و در نزدیکی دماوند امروز واقع شده مستقر گردیدند و نام ناحیه ای از ولایت اسرائیل را که پیش از به اسارت رفتن در آن می زیستند و "گیلعدا" خوانده می شد، به روی ناحیه ای می گذارند که سکونت گاه جدید آنان شده است. طبق باوری که بیش از دو هزار سال در حافظه تاریخی ملت یهود ثبت شده، نام گیلعدا به مرور زمان دچار دگرگونی می شود و بعدها به صورت گیلیارد در می آید که امروز نیز آن ناحیه در سخن یهودیان با همین نام خوانده می شود.

پرسش - کنجکاو هستیم بدانیم که به اسارت گرفته شدن و سپس استقرار این یهودیان در ناحیه ای که گیلیارد نامیده می شود، چند سال پیش بوده است؟

پاسخ - همان گونه که گفتیم، به اسارت رفتن این یهودیان حدود ۷۲۰ سال پیش از میلاد بود - بنابراین، تا امروز به بیش از ۲۷۰۰ سال می رسد. حال ممکن است پرسید که این مکان به چه علت دارای تقدس می باشد! اولاً یک امر عادی است که هر مکانی که با سرگذشت یهودیان ارتباط دارد و طی قرن ها با زندگی آنان گره خورده، جنبه تقدس نیز پیدا کرده است. در خود خاک اسرائیل نیز بعضی نقاطی که جایگاه رویداد برخی وقایع مهم تاریخی بوده و یا شخصیت های مهمی در آن جا می زیسته و یا فوت کرده اند جنبه تقدس می گیرد و مقدس می شود.

یک جنبه تقدس گیلیارد این حدیث و باور است که در آن جا یک راه زیر زمینی وجود دارد که مستقیماً به شهر اورشلیم و جایگاه مقدس یهود می رسد. البته این روایت و سنت است، ولی وجود چنین روایتی نشان از دلبستگی و ایمان عمیق دارد.

با توجه به آن که باور می شد خاک گیلیارد برکت دارد، طبیعی است که بسیاری از یهودیانی که دور و بر آن ناحیه زندگی می کردند، بسیار علاقمند بودند که پس از فوت، در گورستان آن مکان به خاک سپرده شوند تا آسان تر بتوانند از طریق آن دالان زیرزمینی خود را به اورشلیم برسانند، و یا آن که در روز معاد و رستاخیز بتوانند در اورشلیم حاضر باشند.

پرسش - چقدر جالب است که چند قبیله یهودی به اسارت برده می شوند و از سرزمین خود به دیار غربت تبعید می گردند و می آیند و در سرزمین دیگری ساکن می شوند و چنان در اشتیاق بازگشت به سرزمین پدری خویش هستند که باوری در آن ها به وجود می آید که به موجب آن یک دالان زیرزمینی مستقیم بین آن جا و اورشلیم وجود دارد. این روایت را می سازند که پاسخگوی آن اشتیاق و آن درد غربت باشد! این واقعیت بر دو موضوع تاکید می گذارد: یکی وابستگی این اسیران غربت زده به خاک ایران که در آن جا پناه گرفته اند، و دوم، اشتیاق خستگی ناپذیر آنان به سرزمین پدری و این امید همیشگی که بالاخره روزی به آن جا باز خواهند گشت!

پاسخ - این سخن شما کاملاً درست است و من در گفت و گوئی که پیرامون مکان مقدس یهودی به نام "سِرْح بَت آشِر" در شهر اصفهان داشتیم، تعریف کردم که به باور یهودیان، از آن مکان نیز دالانی زیرزمینی وجود دارد که مستقیماً به شهر اورشلیم وصل می شود. در یکی دو کیلومتری آرامگاه سرح بت آشرتپه ای قرار دارد که غاری روی آن دهان گشوده و یهودیان اعتقاد دارند که از طریق آن غار نیز می توان مستقیماً به شهر مقدس اورشلیم رسید.

در این مورد چندین روایت نیز وجود دارد که به موجب یکی از آن ها در سیصد چهارصد سال پیش یک زن یهودی ایرانی از گیلیارد به اورشلیم می آید و قطعه زمینی را خریداری می کند تا پس از فوت در این خاک مقدس دفن شود. ولی وضعی پیش می آید که او ناچار می شود به سرزمین اولیه یعنی گیلیارد بازگردد و هنگامی که او چشم از جهان می بندد، آن قبالة خرید را در دست او می نهند و دفن می کنند، به این امید که در روز رستاخیز با در دست داشتن همین قبالة بتواند خود را به اورشلیم برساند.

این ها باورها و سنت های جالبی است که آن ها را نباید دست کم گرفت، زیرا بی تردید ریشه هائی تاریخی دارد. البته عقل سلیم نمی تواند بپذیرد که بین گیلیارد و اورشلیم یک دالان زیرزمینی وجود داشته باشد، ولی متصل کردن مجازی این دو نقطه مقدس نشان از یک رشته علائق عاطفی و دینی مردمی دارد که حتی در غربت و تبعید، وطن قومی و دینی خود را از یاد نبرده اند و با این احادیث و روایات، عملاً اقامتگاه جدید خود در ایران را با کانون آمال و آرمان های خود در اورشلیم - حتی به صورت مجازی - به یکدیگر مربوط می سازند.

پرسش - و در این رابطه گفته های شما را در یکی از فرصت های پیشین فراموش نمی کنیم که تعریف کردید که نقش شهر باستانی شوش در خوزستان روی یکی از درب های ورودی دروازه اورشلیم حک شده بود

پاسخ - بله همین گونه است. این موضوع را من در رابطه با آرامگاه حضرت دانیال نبی در شهر شوش بیان کردم که علاقمندان می توانند آن را در گفت و گوهای پیشین بخوانند.

یادآوری می‌کنم که این امر در کتاب تلمود که مجموعه شریعت یهود است ثبت و ضبط شده است.

گیلیارد هم به همین صورت در قلب یهودیان جای گرفته و در حافظه تاریخی ملت یهود به نام یک مکان مقدس به ثبت رسیده است.

در این رابطه باید بگوئیم که گورستان گیلیارد بسیار وسیع بوده که به مرور زمان پس از آن که یهودیان کم کم آن جا را ترک گفتند و به تهران و یا نقاط دیگر نقل مکان کردند، به تدریج محدودتر گردید و افرادی با استفاده از غیبت صاحبان این مکان، برخی سنگ قبرها را خراب کردند و زمین را به تصرف خود در آوردند و به ساختمان سازی پرداختند.

در این گورستان سنگ قبرهائی وجود دارد که همه آن‌ها به خط عبری نگاشته شده و جنبه کاملاً باستانی و تاریخی دارد که یکاش نگاهداری می‌شد و به سرقت نمی‌رفت. ولی هنوز هم برخی سنگ قبرهای قدیمی در نقاط مختلف گیلیارد پراکنده است.

یکی از علل کاسته شدن از تعداد یهودیان گیلیارد در طول قرن‌ها و اعصار، حمله بیگانگان به سرزمین ایران و کشتن مردمان آن بوده است. حمله مغول، یورش تیموریان، و حتی حمله افغان‌ها که در سال ۱۷۲۰ میلادی رخ داد، از جمله عوامل اصلی کاهش شمار یهودیان در گیلیارد بود. در طول زمان، شمار زیادی از یهودیانی که ناچار شدند گیلیارد را ترک گویند، در دماوند ساکن شدند که در فاصله چند ده کیلومتری جنوب گیلیارد قرار دارد. ولی همین‌ها نیز اکثراً وصیت می‌کردند که پس از فوت، در گورستان گیلیارد به خاک سپرده شوند.